



شماره: ۴

جلسه روز چهارشنبه مورخه ۹۳/۰۵/۲۲

موضوع جلسه: گفتگو پیرامون تعیین موضوع همایش سال ۹۴

حاضرین جلسه: آقایان: پورسیدآقایی، سهرابی، هادی زاده، حسینیان، حائری پور، آیتی، نوری فرد، امیر محسن عرفان و دکتر همایون.

حجة الاسلام و المسلمین پورسیدآقایی: یکی از پیشنهادهای مطرح شده موضوع همایش سال آینده

فرهنگ و تمدن زمینه ساز بود. شاید شما پیشنهاد بهتری داشته باشید یا در حین این گفتگوها به موضوعات مناسبتری دست پیدا کنیم. اما الان می خواهیم ببینیم این موضوع آیا ظرفیت این همایش را دارد یا نه؟ بر فرض هم بگوییم فرهنگ و تمدن زمینه ساز موضوع خوبی است ممکن است ظرفیت همایش را نداشته باشد چون باید منابع و مآخذ هم باشد نه فقط یک همایش بگذاریم و چیزی به دست نیاید. به لحاظ اهمیت و ظرفیت هایی که دارد ممکن است یک موضوعی مناسب تر از موضوعات دیگر باشد. چند جلسه ای در رابطه با ظرفیت سنجی این موضوع گفتگوهای داشتیم به خصوص در بخش تمدن مشکلات یک مقداری بیشتر است. موضوع فرهنگ هم مشکل دارد که خودش یک شهری است و موضوعات مختلفی را در زیر مجموعه خودش دارد، ما این زیرمجموعه ها را مثل اخلاق و تربیت و جامعه و... را بحث کردیم حالا می خواهیم از فرهنگ زمینه ساز گفتگو کنیم، اما بحث عمده ای که بیشتر می خواهیم از حضور شما (دکتر همایون) استفاده کنیم بحث تمدن است که آیا این ظرفیت را دارد یا نه؟ در این زمینه کتاب هایی هم مطالعه شده و یک سری کتاب ها و مقالاتی نوشته شده. کتابی از گفتار نظری در باب تمدن آقای دکتر علی اکبر ولایتی است که بیشتر در پژوهش فرهنگ و تمدن و گفتگوهایی که در این زمینه ها انجام شده نوشته شده است. نظر شما به عنوان کسی که در این زمینه کار کردید و صاحب نظر هستید آیا موضوع تمدن ظرفیت همایش را دارد یا نه؟

دکتر همایون: در مورد رویکرد تمدنی این رویکرد در پاسخ به این سوال خیلی کلی شکل می گیرد که قرار است با ماجرای ظهور چه اتفاقی بیفتد یعنی این چیزی که ما به عنوان یک عقیده کلامی جدی به این معتقد هستیم و می دانیم اتفاق خواهد افتاد قرار است چه بشود؟ مثلاً فرض کنیم بگوییم تا حالا در جهان عدالت حاکم نبوده قرار

است در همه جهان عدالت حاکم شود. مثلاً وحدت بین مسلمین خدشه دار شده بود قرار است مسلمین با هم متحد شوند و... بر اساس این مثلاً ممکن است بعضی‌ها تصورشان به عنوان یک واقعه از ظهور چیزی باشد که ما در سن کمتر از این تصور می‌کردیم یک آقایی یک روزی قیام می‌کنند و گردن ما را هم می‌زنند یا نهایتاً ممکن است چیزی در حد انقلاب خودمان تصور کنیم بگوییم قرار است حکومتی عوض شود و خداوند پرستیده شود و غیره... می‌شود تصویر کرد ولی اگر بخواهید شما اسم برایش بگذارید در این اسامی که ما داریم می‌شود بر اساس آن اسامی با هم ارتباط برقرار کنیم فکر می‌کنم بزرگ‌ترین واژه‌ای که برای این اتفاق داریم تمدن است که حتماً معتقد هستیم آن اتفاق از تمدن بزرگ‌تر است ما فعلاً برای آن اسم نداریم و الا شما بگویید حکومت است نه از حکومت بالاتر است بگوییم موضوع در سطح جامعه دارد مطرح می‌شود که ما به مباحث جامعه و جامعه‌شناسی ارتباط بدهیم باز هم بالاتر است. بگوییم یک حکومتی است در سطح بین‌الملل و قرار است یک حکومت واحد شکل بگیرد از این بالاتر است چون عمق هم دارد یعنی در عمق زندگی انسان‌ها دارد نفوذ می‌کند فعلاً بزرگ‌ترین واژه‌ای که داریم به نظر می‌رسد که واژه تمدن باشد. من فکر می‌کنم از این واژه بزرگ‌تر نداریم که هم گستره و هم عمق را در بر بگیرد. برای این که این را تبیین کنیم دو کار باید انجام بدهیم:

۱. در خود علوم معاصر ما تمدن یعنی چه که ما می‌گوییم بزرگ‌ترین واژه تمدن است؟.

۲. یک تلاشی است که ببینیم صرف نظر از واژه تمدن خود این اتفاق آیا می‌شود اسم دیگری هم برایش جعل کرد یا گذاشت. به نظرم این دو موضوع را باید بحث کنیم. در مورد خود واژه تمدن مستحضر هستید یک روزی غربی‌ها در سال ۱۴۵۳ واقعه‌ای به نام فتح قسطنطنیه اتفاق افتاد دانشمندان به سمت روم شرقی ایتالیا آمدند و کم‌کم یک چیزی شکل گرفت اینها در این دوره و دوره‌های بعدی مثلاً قرن ۱۶ و ۱۸ شروع کردن اتفاقی که افتاده را تحلیل کردن. این که الان موجود است با قبل فرق داشته است. اسم این تحولی که در دل سرزمین‌های اروپایی شکل گرفته بود بعضی‌ها فرهنگ گذاشتند و بعضی‌ها تمدن گذاشتند. هر دو هم وجود دارد چون دو نوع نامگذاری از دو طرف شد، بعد یک مساله جدیدتری به وجود آمد که فرقی با هم دیگر چیست که در ادبیات اینها وجود دارد، اینها با هم هستند یا مادی و معنوی دارد یا نه مقدمه و موخره دارد ولی در اسم‌گذاری هنوز به توافق جدی کسی نرسیده است، بعد از یک دوره‌ای اینها احساس کردند که بنیان و پشت ندارند وقتی به عقب می‌روند چنین پدیده‌ای چون

می‌خواستند از این سکو وارد جهان بشوند گفتند بگردیم در تاریخ برای خودمان سنت پیدا کنیم دیدند یک دوره‌ای در یونان حوادث مشابه این اتفاق افتاده است آنجا متاخراً روی آن پدیده‌ای که در یونان شکل گرفته بوداسم تمدن گذاشتند و گفتند این که ما درست کردیم ادامه سنتی و تاریخی همین ماجرا است. این کم کم شد موضوع تمدن که بعضی‌ها می‌گفتند فرهنگ. بعد ما آمدیم (متفکران مسلمان) گفتیم ما از شما چه کم داریم آرام آرام یک هویتی برای خودمان پیدا کردیم گفتیم حوادثی که در قرن ۴ و ۵ و ۶ هجری و بعدتر در سرزمین‌های اسلامی اتفاق افتاد متاثر از دین اسلام این هم تمدن است. این هم همان است که شما می‌گویید چون این دقیقاً شبیه همان چیزی است که شما از ماجرای یونان نقل می‌کنید و اسم این را هم ما گذاشتیم تمدن اسلامی. این داستان ادامه پیدا کرد کم کم هر کس دیگری هم که خواست یک خطی دور یک فعالیت منسجم بکشد اسم تمدن روی آن گذاشت تا رسید به ماجرای جنگ تمدن‌های آقای پائین تن که گفت آفریقایی‌اش تمدن است و... تمدن است اسلامی‌اش تمدن است. یک اتفاق بعدی افتاد و آن اینکه قرار شد ما حالا یک مقدار عمیق‌تر وارد منابع اسلامی شویم ببینیم مشابه تمدن چه چیزی داریم که اسم‌گذاری کنیم خود این واژه را باور کردیم وقتی خواستیم به متون اصلی خودمان مثلاً به قرآن کریم مراجعه کنیم اشتباهی که کردیم همین واژه را اصل گرفتیم، آمدیم دنبال واژه مدینه گشتیم گفتیم هر کجا در قرآن کریم مدینه آمده یعنی تمدن و هر کجا قریه آمده یعنی بدون تمدن چون ما می‌گوییم روستا توسعه نیافته‌تر است یک ادبیاتی تولید شد که به نظر می‌رسد قابل بحث باشد. من موقعی که خواستم به قرآن کریم مراجعه کنم ببینم برای این ماجرا چه داریم سعی کردم اول اینکه ذهنم را از همه چیزی که تا به حال گفته شده به ویژه ادبیات غربی که دارد خودش را تحمیل می‌کند پاک کنم و دوم حتماً مثل هر چیز دیگری از ادبیات مهدویت استفاده کنم؛ یک تحلیلی آوردم روی جریان معاد و مهدویت که مهدویت به چه شکل مقدمه معاد است و دو تا واقعه اتفاقی جدا از هم نیستند که از نظر توالی زمانی یک واقعه‌ای که خداوند خواسته زودتر اتفاق بیفتد مساله ظهور است و یک واقعه هم بعد از آن اتفاق می‌افتد که مساله قیامت است. اینها با هم نسبتی دارند این نسبت را تبیین کردم آنجا به این رسیدم این فرایندی که داریم به سمتش می‌رویم (از مبنای ظهور تا قیامت فرایندی است که در پی آن با جنبه‌های دیگری که دارد) مهم این است که ملک خداوند آشکار می‌شود یعنی فرایندی است انکشافی مبتنی بر کشف برای انسان‌ها که انسان‌ها رشدی کنند و در اثر آن رشد ملک

خداوند را آشکار ببینند. یعنی همان چیزی که وجود دارد آخر ماجرا این است (لن ملک الیوم لله واحد القهار) قرار است تا پایان داستان قیامت آنکه اتفاق بیفتد هر چه ما می‌بینیم ملک می‌بینیم یعنی هر چه چشم باز می‌شود ملک دیده می‌شود. این آن چیزی است که از مهدویت می‌بینیم بر اساس این در واقع درقرآن کریم یک واژه پیدا می‌کنیم، در قرآن کریم یک مرور کنیم ببینیم می‌شود حوادث قبلی را با این ملک درست کرد. اولاً تقسیم می‌کنیم که شما در قرآن کریم می‌بینید هم ملک و هم نمرود و فرعون به کار برده‌اند از آن طرف در آیات که دقت می‌کنید می‌بینید فرعون و نمرود به کار برده‌اند چون اصل ملک، ملک خداوندی است اینها استعاره‌ای گفتند ما هم همان هستیم چون اینها ادعای خدایان را داشته‌اند. از آن طرف شما می‌بینید که در تاریخ چند مقطع است که موضوع ملک مطرح می‌شود یکی خود داستان ظهور است (ام یحسدون الناس علی ما آتاهم...) که این ملک عظیم آل ابراهیم است که تفاسیر و تعبیر ذیلش همان ملکی است که در آخر الزمان شکل می‌گیرد و مردم هم در تاریخ حسد ورزیدند. این ملک غیر از این که وظیفه دارد رشد انسان‌ها را به حدی برساند که انسان‌ها پرده‌ها از جلوی چشمشان کنار برود و ملک عظیم خداوند را ببینند شکل ظاهری زمینی‌اش حکومت است پس نشان می‌دهد که موضوع حکومت در این انکشاف نقش اساسی دارد یعنی اگر حکومت شکل نگیرد ما نمی‌توانیم این انکشاف ملک خداوند را به دست بیاوریم حکومت نقش دارد. مراحل قبل تری هم دارد که ماجرای ملک سلیمان نبی و حضرت داود هست که این دو تا به هم متصل است اول تشدید ملک می‌شود و بعد می‌آید می‌رسد به جایی که حضرت سلیمان ملکی را تشکیل می‌دهد یعنی تا آن موقعی که ما به آخرالزمان برسیم دیگر ملکی با این عظمت شکل نمی‌گیرد. ویژگی‌های تمدنی‌اش هم می‌توانیم کنارش بگذاریم که چه اتفاقی افتاده بود آن ملک به اوج خودش رسیده بود. یک ملک قبل از آن زمان حضرت یوسف(ع) را داریم آنجا حضرت یوسف می‌گوید بخشی از ملک چون حضرت یوسف ملک نبود در بین ملک حکومت می‌کرد توانست یک بخشی از ملک را با منصب عزیزی مصر محقق کنند و شاهکارهایش هم معلوم است و از همه اینها استفاده کرد که اهل مصر مسلمان شوند. شما نگاه کنید می‌بینید که در پایان دوران حضرت موسی ملک سلیمان اتفاق می‌افتد و در پایان دوران حضرت ابراهیم به عنوان اولوالعزم دوم بخشی از ملک حضرت یوسف تحقق یافت قبل از این هم یکی دو ماجراست. اگر شما ذوالقرنین را متعلق به آن قرن بدانید یعنی آخر دوران حضرت نوح و ابراهیم بدانید که ملک ذوالقرنین است و اگر بلافاصله بعد از طوفان در روایات دیدیم و

داریم که حضرت نوح دولت تشکیل می‌دهد ، یعنی اولین حکومتی که شکل می‌گیرد (از حضرت آدم تا نوح حکومتی نبوده) پس تمدنی هم شکل نگرفته است. به این زبان امروز ما حضرت آدم نقش چندانی در تمدن‌سازی یا ساختن تمدن زمینه‌ساز برای ملک عظیم خیلی کار انجام نداده است که اولوالعزم بشود، زمان حضرت نوح که قیامت اول شکل می‌گیرد و مهمتر از همه این که حضرت نوح حکومت تشکیل می‌دهد باعث می‌شود که به نام خودش ثبت کند و قدم اول گذاشته بشود. قبل از حضرت نوح حضرت ادریس را داریم که مقدمات این تمدن‌سازی با جریان علمی راه می‌افتد پس اولین قدم را حضرت ادریس برمی‌دارد. ما ایشان را اولوالعزم نمی‌دانیم اگرچه جریان علمی برای تمدن‌سازی خیلی مهم است ولی به عنوان مقدمه‌ای است که حکومت شکل بگیرد. این کار را حضرت نوح انجام داده و بعد از این علم گسترش پیدا کرده و رسیده به بت‌پرستی داشته خراب می‌شده و زمان حضرت ابراهیم قیام بعدی را انجام می‌دهند در پایان تلاش انبیای ابراهیمی ما بخشی از ملک حضرت یوسف را داریم دوباره فرعون می‌آید و حضرت موسی ظهور می‌کند در پایان دوران حضرت موسی این ملک کامل محقق می‌شود و بعد انحرافات است و حضرت عیسی که همچنان دوره شان ادامه دارد ملک عظیم پیامبر و آخرالزمان که منتظر تحققش هستیم.

بر اساس این یک اتفاق دیگر هم است و آن جایی است که در ماجرای جنت برزخی شیطان که خواست آدم را فریب بدهد گفت: (هل اذّ لکم...) شیطان که صد در صد دروغ نمی‌گوید برای این که بتواند فریب بدهد یک بخشی از واقعیت را می‌گوید و یک بخشی را دروغ می‌گوید، یا چپش مقدمات درست را یک طوری انجام می‌دهد که به نادرست بیانجامد احتمالاً آنجا هم مساله ملک بوده است احتمالاً شیطان از این نیاز فطری آدم با اطلاع بوده و می‌دانسته آدم می‌خواهد به آن ملک برسد. (ملک یا یبلی) دوباره این یک ملکی است که خلود دارد گفت می‌خواهی هبوط کنی که آخرش به این ملک برسی. آن روز اول خلقت انسان ماجرای ملک بود و تا روز آخر هم که ماجرای نفخ صور است دوباره قضیه ملک است. اگر ما این استفاده را بکنیم و معنایش این باشد که واژه ملک را می‌گوییم حقیقتش حکومت نیست بلکه آن انکشاف ملک خداوندی است به این می‌رسیم که موضوع حکومت موضوع بسیار مهمی در شکل‌گیری ملک است یا به تعبیر ما تمدن‌سازی. حالا مسائل دیگرش چیست؟ بله علم هم کنارش است. باید بنشینیم درباره آن صحبت کنیم فرض کنیم عملیات دینی، جامعه، سبک زندگی همه اینهایی که آمده

است. نکته دیگر این است که با این الگو ما می‌توانیم تمدن غرب امروز را تفسیر کنیم که چه اتفاقی افتاده؟ به نظر من تمدن غرب تفسیرش این می‌شود یک بخشی از این ملک در صدر اسلام تحقق پیدا کرد تا آمد تحققش را کامل کند به انحرافات خورد این اسلام یا تمدن اسلامی تعریف و تضعیف شده منحرف شده آمد تا رسید به حکومت‌های شیعی قرن چهارم و پنجم که با هم دعوا داشتند این که تمدن اهل بیت (ع) نبوده است این ماجرا را بعضی‌ها زدند خرابش کردند یعنی حمله ترکان و مغول و... آمد تا جنگ‌های صلیبی آن مقدار از این تمدن اسلامی له شده تحریف شده که البته به تکنولوژی رسیده بود که دوربین و ساعت ساخته بودند و از این طرف تا شعر و عرفان رسیده بود در جنگ‌های صلیبی به دست اروپایی‌ها می‌افتد و این را مبنای رشدشان می‌کنند و این را گسترش می‌دهند. درست مثل این که شما این گیاه را بچینید و در آب بگذارید آن تمدن به خاطر این که از مبدائش جدا شده خشک شده است و یک مدتی یک مقدار به صورت تکنولوژی شاخ و برگش رشد کرده والا علم رشد نکرده این همان تمدن خودمان است. یعنی باز هم می‌شود گفت تمدن است. به نظر می‌رسد از زمانی که حضرت ادریس ماجرای توسعه علم را شروع کردند این جریان را پیمودن مسیر از حس و تجربه به شهود و عقل طی شده است. در زمان حضرت سلیمان که حکومت کاملی بوده هر سه مرحله را طی کرده بود به همین دلیل است که وقتی حضرت سلیمان در دربارش می‌گوید چه کسی می‌رود تخت را بردارد و بیاورد هیچ کس نمی‌گوید این خرافات چیست یعنی نشان می‌دهد که سطح فرهنگی و تمدن جامعه به حدی رسیده بوده که در بین درباریان این موضوع قابل فهم بوده و اقدام هم می‌کردند. بعد از حضرت سلیمان این حکومت فرو می‌پاشد و این سقوطی که می‌کنیم از اوجی است که به آن رسیده بودیم. در دوران یونان ما از سطح جا افتادن از موضع شهود به سطح عقلی می‌رسیم و این که می‌گوییم یونان شکوفایی عقل است از بالا آمده که به اینجا رسیده است. همین سیر سقوط ۱۹۵۳ در رنسانس پیدا کرده و در عقلش هم کنار رفته و به حس و تجربه رسیده و همان است که ما را وارد مراحل پایین تر می‌کند و این دوباره رشد خواهد کرد. با ظهور این جریان رشد می‌کند تا برسد به لمن الملک.....

پس نتیجه گیری کنیم ما می‌توانیم به این اعتبار هم بگوییم داریم تمدن سازی می‌کنیم هم می‌توانیم بگوییم تمدن زمینه‌ساز داریم درست می‌کنیم هم می‌توانیم بگوییم آن ماجرا خودش تمدن است و این مقدمه اش است و هم می‌توانیم بگوییم این تمدن ملک است. اگر آن اصطلاح را بپذیریم. فعلاً نسبت اینها برایمان روشن است که

این دارد ما را به همان سطح می‌رساند و ما هم باید همه حلقه‌هایی که در تمدن‌سازی مهم است چه موضوع حکومت و چه بحث علمش و چیزهایی که وجود دارد چه بحث مرکزی اش همه را باید حاصل کنیم تا بتوانیم زمینه‌سازی تمدن کنیم.

حجة الاسلام دکتر سهرابی: در بحث تمدن‌سازی می‌خواهیم کاری کنیم که تمدنی را بسازیم و برای این هدف رویکردی را اتخاذ می‌کنیم آیا درست هست یا نه؟

دکتر همایون: این سوال خیلی خوبی است که آیا می‌شود تمدن ساخت. من در مورد تمدن غرب چند بار حواسم بود که تاکید کنم اگر خوشبینانه بینیم اعتقاد خود من با اسنادش همین است که طراحی شده و ساخته شده است. این که ما می‌گوییم ساخته شده خیلی پدیده بزرگی است. مثل این نیست که این لیوان ساخته شده است و من قالب‌ریزی کردم و فرمول دارد. ساخته شدن تمدن در ابعاد خودش، می‌شود گفت ساخته شدن یعنی شما ممکن است چند سناریو را اجرا کنید که اگر یکی گرفت ممکن اس مقدمه یک چیز دیگری شود. مثلاً وقتی می‌خواستند ماجرای جدایی دین از سیاست را به هم بزنند از کجا شروع شده ممکن بود بگیرد و یا نگیرد. چند تا جریان در کنار این به وجود آمده که این اتفاق افتاده است. تمدن غرب ساخته شده است در مورد انبیا هم که نگاه کنیم می‌بینیم کاملاً آگاهانه به وحی ساخته شده است و آنها می‌دانستند چه می‌کنند و قدم به قدم ساختند و جلو رفتند و دشمنان هم این کار را می‌کنند. از این سطح که به واقعه امروز برسیم شما نگاه می‌کنید می‌بینید این عنوان الان در جمهوری اسلامی دارد استفاده می‌شود یعنی حضرت آقا می‌فرمایند تمدن‌سازی مهمترین پلاکاردی که بالای سر نظام خورده اسم تمدن‌سازی است و برای این تمدن‌سازی هم دارند فرمول می‌دهند و شعار سال می‌دهند و خودشان هم این را تصریح کردند که قدم به قدم بر اساس این شعار سال‌ها جلو می‌رویم، اصطلاح‌سازی که می‌گویند الگوهایی که می‌دهند مخصوصاً این دوره آخر خیلی شدت می‌گیرد. اینها همان فرمول‌هایی است که شما ادبیات تمدن را نگاه می‌کنید می‌بینید در آن است. پس به نظر می‌رسد ما می‌توانیم تمدن‌سازی کنیم بحث‌هایش هم شده در دل ادبیات غربی و چه اسلامی که باید برویم بگردیم پیدا کنیم ولی این که کاملاً پوزیتیویستی تصورمان این باشد که مثل راه اندازی یک سازمان یا مرکز تحقیقات است نه ما آن قدر ذهنمان احاطه ندارد که این توضیحات را بدانیم ولی امام معصوم(ع) و پیامبر خدا(ص) بله می‌توانند این کار را انجام بدهند ما ممکن است

بخشی را با سعی و خطا جلو برویم، الان آقا می‌فرماید ما در مورد جمعیت حواسمان نبود از دستمان در رفت اگر حواسمان می‌بود سر لحظه خودش باید این کار را می‌کردیم کما این که یوسف نبی سر موقع خودش اینها را محاسبه کرد و جالب این است که آن هم بر اساس خواب بود اگر ما در این دوره بگوییم بر اساس خواب می‌خواهیم مملکت را اداره کنیم ظرفیتش نیست. ولی بر اساس یک خواب است حاکم را راضی می‌کند که سیلو بساز و گندم جمع کند چون قرار است قحطی بیاید و هفت سال هم طول کشید تا قحطی آمد. بر این اساس فکر می‌کنم ما از لحاظ مطالعات ادبیات خیلی عقب هستیم اگر وارد شویم شاید بر اساس فرمول‌هایی به آن برسیم.

حجة الاسلام دکتر سهرابی: آیا غرب هم به این ادبیات تمدن‌سازی توجه جدی دارد چه در گذشته یا

حال؟ یا نه این بحث تمدن‌سازی بحث نوظهور است در این حوزه بحث جدی بوده یا نه؟

دکتر همایون: آن قدری که من ادبیات تمدن آن طرف را دیدم همه پسین است یعنی آمدند واقعه‌ای که اتفاق افتاده نهادهای اقتصادی و سیاسی درست کردند و اینها را بعداً بررسی کردند یعنی عرصه علم، علم به معنای ظاهری آن عقب بوده ولی نه به این معنا که علم نبوده آن علمی که به سمت عرصه مدیریت می‌رود، شما می‌بینید همه دانشمندان یهودی پای این ماجرا هستند یا در رسانه با چهار نفر یک شبکه بسیار گسترده جدی و تاثیرگذار می‌سازند یک سازمان می‌سازند از چند تا وزارتخانه ما موثرتر هستند، تقریباً علما از این ماجرا متاخر بودند ولی نه به این معنا که فرایند علمی نبوده این مقداری که در دانشگاه‌ها گزارش می‌رسد این اتفاقات بوده است. شما هم مطالعاتان همین را نشان می‌دهد.

امیر محسن عرفان: الان مطالعات تمدن‌پژوهی چه در ایران در چه غرب سه حوزه را در بر می‌گیرد. یکی

تمدن‌پژوهی با رویکرد فلسفه نظری تاریخ به تمدن، به معنای کشف قوانین حاکم بر تمدن‌ها مثلاً تمدن اسلامی یک ثوابت تمدنی دارد یک متغیرات دارد مثلاً می‌گوییم تمدن اسلامی مبتنی بر امت واحده است آموزه امت واحده از آموزه های قرآنی است دکتر عبدالحسین زرین کوب در کتاب کارنامه اسلام می‌نویسد شما مساجد را که در تمدن اسلامی نگاه می‌کنید می‌بینید معمار شیعی است نقاش هندی است جالب این است که فقه امام جعفر صادق (ع) هم فقه امت‌مدار بود. کشف قوانین حاکم بر تمدن‌ها هنوز کار هم نشده است. همین کتابی که حاج آقا

معرفی کردند میلیون‌ها دانشجوی ما دارند در دانشگاه‌ها در رشته‌های مختلف می‌خوانند اما تعریفی که از تمدن در این کتاب شده مبتنی بر تعریف غربی است و معطوف به مظاهر تمدنی است یعنی تمدن اسلامی در بیمارستان جندی شاپور دیده شده است و ثوابت تمدن اسلامی گفته نشده است جهان‌بینی ارزشی، انسان‌شناسی دینی، تمدنی اسلامی و... مبتنی بر رویکرد خاص اسلام است. مکتب اهل بیت که اصلاً تاریخ اسلامی تاریخ اختیاری است و در مباحث فلسفه نظری تاریخی سوال می‌شود محرک تاریخ چیست؟ امثال فیلسوفان نظریه تاریخ می‌گفتند نزاع طبقه کارگر و سرمایه‌دار در اسلام مبتنی بر آموزه مهدویت، می‌گوییم نزاع جبهه حق بر باطل علت رویکرد سطحی به تمدن اسلامی این است که سرمنشأ مطالعات تمدنی در غرب بوده به عنوان نمونه از اولین کتاب‌های مطالعات فرهنگی و تمدنی را جرجی زیدان نوشته که سال ۱۳۳۶ شمسی آقای دکتر حسن جواهر الکلام در ایران ترجمه کرده و الان همه دانشجویان آن کتاب را می‌خوانند که آن هم مظاهر تمدنی را دیده و یک نگاه بسیار حداقلی برای نقش فرهنگی تمدنی برای اهل بیت در نظر گرفتیم که نتیجه‌اش می‌شود که حسنا فاخوری لبنانی می‌گوید نقش معاویه در تمدن فرهنگ اسلامی به مراتب از امیرالمومنین (ع) بیشتر است چون معاویه بیست سال خلیفه بود کشتی‌سازی راه انداخت ضرب سکه داشت و امیرالمومنین (ع) چهار سال و نه ماه حکومت کرد سه جنگ بزرگ داشت. علت این است که تمدن را به مظاهر تمدنی دیده است ما می‌گوییم فرهنگ جنبه چگونگی دارد تمدن جنبه کمی دارد پشتوانه هر تمدنی یک فرهنگ است و نقش اهل بیت (ع) نقش فرهنگی بوده است. دومین رویکرد به معنای رویکرد راهبردی به تمدن است یعنی نگاه به حال که من ببینم در پیشتازی رقبا در عرصه تمدن‌سازی راهبردها و راهکارهایم چیست. سومین رویکرد به تاریخ تمدن باز می‌گردد. ویل دورانت در این عرصه پیشتاز است یعنی فرایند تاریخی فرهنگ و تمدن را ببینم. غرب به شدت درصدد کشف راهبردهای حاکمیت تمدنی است یکی از فرماندهان سپاه ایشان می‌گفت در جزوه‌ای که به ما دادند یکی از راهبردپردازان آمریکا گفته بودند تا جنگ جهانی دوم ۱۹۴۵ ابرقدرت در دنیا کشوری بود که مستعمره داشت و از جنگ جهانی دوم تا سال ۲۰۱۰ ابرقدرت کسی بود که استعمار مغز را به دست آورد، او می‌گوید اگر آمریکا در دنیا حرف اول را می‌زند به خاطر این که علم و دانش را در انحصار داشت. از سال ۲۰۱۰ به بعد راهبردهای ما باید معطوف بشود که ایدئولوژی برتر را داشته باشیم زیرا ابر قدرت کسی است که ایدئولوژی برتر را داشته باشد من احساس می‌کنم در این زمینه رویکرد بنیادی به

تمدن است که در حقیقت به تکاپو افتادند که برنامه‌ریزی برای آینده داشته باشند. این گونه‌های رویکرد به تمدن الان است در جامعه فعلی که با توجه به همین رویکردها ما می‌توانیم زاویه دیدمان را نسبت به آموزه مهدویت متفاوت برنامه‌ریزی کنیم. رویکرد تاریخی یعنی گونه‌شناسی رویکرد تمدن به آموزه مهدویت نقش باور داشت آموزه مهدویت در فرایند فرهنگ و تمدن اسلامی. نقش باور به مهدویت در پیدایش بعضی از کتاب‌ها نقش باور به مهدویت در تکاپوی فقهی فقهای ما بخش عمده‌اش را شما در نماز جمعه روزگار صفویه می‌بینید باور به غیبت حضرت مهدی این یک تکاپوی علمی که در خیلی از مباحث فقهی ما نقش داشته است، باور به مهدویت و پیدایش حکومت‌ها که بزرگ‌ترین قدرت انگیزشی بوده است. باز رویکرد فلسفه نظری و تاریخی به مهدویت می‌توانیم داشته باشیم. ما بینیم ابعاد تکامل از دیدگاه آموزه مهدویت که در حد یک مقاله فقط کار شده است. اصلاً آینده روشن است یا تاریک اگر روشن است به فناوری تکنولوژی است یا به بسط عبودیت است. یک رویکرد دیگری که می‌توانیم داشته باشیم نقش باور به مهدویت در احیای تمدن اسلامی است. یعنی در حقیقت بینیم در جوهره و بن مایه مهدویت چیست در گونه‌شناسی رویکرد تمدنی به آموزه مهدویت رویکردی است که احساسم بر این است که صحبت جناب آقای دکترهمايون بیشتر معطوف به آن بود که ما نگاه کنیم که تمدن عصر ظهور که البته فرا تمدن چگونه است کشف الگوهای تمدنی حضرت در عصر ظهور که برای ساخت جامعه امروزی بهره بگیریم یعنی بینیم دستاورد های بسیار بزرگی که در عصر ظهور اتفاق بیفتد مبتنی بر چه سازکارهایی است رسالت حضرت چیست و اهداف چیست ؟

دکتر همایون: از همین دل تمدن غرب ما باید رشد کنیم نه این که اینها را کاملاً نادیده بگیریم. یک تاکتیک است از اینجا شروع می‌کنیم ولی به آنجا می‌رسیم.

حجة الاسلام و المسلمین هادی زاده: این گفتگویی که الان دارد مطرح می‌شود آنچه که آقای دکترهمايون فرمودند یک بخشش چالش عمده روشی دارد که اصلاً این گونه سراغ آیات و روایات آمدند چه مقدار می‌تواند اعتبار داشته باشد که بحث مفصلی است. اما تعبیر قشنگی است. در همایش به نظرم آمد آنچه که در رابطه با همایش به عنوان سوال مطرح بود در فرمایشات دکتر همایون پاسخش نبود. حالا یک مقدار بحث‌هایی که آقای امیر محسن عرفان مطرح کردند یک مقدار در این سمت آمدند شاید برگردیم به جای آن این تحلیل را گفتگو کنیم

یا روشی که ایشان به کار گرفتند برگردیم به اصل مساله خودمان یک بحثی است که در جامعه ما چند سالی مطرح شده به عنوان تمدن‌سازی و پیامد این فرمایش رهبری یک سری پژوهش‌هایی شروع شده که این را یک مقدار سر و سامان بدهند در جای خودش یک کار مطلوب و مناسبی است. در جای خودش یعنی در نگاه کلان در بحث تمدن‌سازی وقتی می‌خواهد بومی شود از یک جهت کلان نگاه اسلامی خودش بحث مناسبی است. این مطالعات سمت و سویی درستی دارند یا ندارند جای گفتگو دارد که آیا برای فراهم کردن خواست رهبری این سمت و سوی مطالعات درست بوده یا نه باید به سمت و سوی دیگری هدایت می‌شده این هم جای گفتگو دارد اما آن بحث کلانی را آوردند در یک بحث خاص (بحث مهدویت) این یک مقدار مساله دار است تمدن‌سازی در حوزه‌ای که هنوز در ابتدای راه است و در قالب کلان خودش قواعدش را پیدا نکرده و وقتی می‌آید در بحث فرهنگ ما قواعد خودش را در حوزه فرهنگ اسلامی یا به تعبیری یک بخشش می‌شود آقای امیر محسن عرفان گفتند که ایشان به ثوابت گفتند که این جای تامل دارد که ما مبانی را داخل در تمدن بگیریم یا پایه‌های اندیشه بگذاریم که می‌تواند تمدن را متحول کند و تغییر بدهد یا تمدنی نو ایجاد بکند این بحث که در بحث مهدویت می‌خواهد وارد شود با آن سابقه کوتاهش اینجا دشواری دارد. شما وقتی تمدن‌سازی را هنوز قوانینش را پیدا نکرده در حوزه اسلامی که می‌آید پیاده است بعد می‌خواهید بیاورید در عرصه‌ای به عنوان مهدویت و از این عرصه هم می‌خواهد بیاید در یک همایش یک چیزی را مطرح کنید مثلاً بگویید دکتربین مهدویت فرهنگ و تمدن زمینه‌ساز یعنی یک پسوند به این می‌زنید این چه مقدار جای بحث و گفتگو دارد به عنوان یک موضوع برای همایشی که ده سال سابقه دارد و خوب است یک نگاهی به این همایش بشود که از کجا شروع شده و امروز به کجا رسیده است و از یک محور دیگری باید بررسی شود که این ده سال چه بازخورد و مخاطبانی داشته است، آیا می‌شود همایش را در این چنین موضوعی آورد یا نه؟ به نظرم این را باید گفتگو کنیم.

دکتر همایون: در بررسی این ماجرا این اختلاف برمی‌گردد به نوع نگاه ما به حوزه مهدویت. من در استنتاج و کیفیت عرضه به مسائل مهدویت یک ظرفیت فوق‌العاده زیادی می‌بینم که بر این اساس با اصطلاح شما که می‌فرمایید حوزه خاص به نام مهدویت موافق نیستم این حوزه را عام می‌بینم چون یک زاویه‌ای به شما می‌دهد که شما بر اساس این نگاه همه معارف‌تان را مثال می‌زنم در سوره یاسین می‌فرماید (ما ينظرون الا صحیه...) صحیه‌ای

می‌آید می‌گیرد در حالی که در آن اختصاص می‌کنند و بعد ما می‌گوییم که اختصاص نمی‌شود اینها لابد دارند در بازار با هم چانه می‌زنند. اگر ما داریم به پدیده قیامت مهدوی فکر می‌کنیم یعنی قبلش حکومت امام شکل گرفته است پس جنگی نباید باشد مردم در حالی که با هم جنگ می‌کنند قیامت اتفاق بیفتد. من می‌خواهم بگویم وقتی شما به مهدویت قائل هستید با این که سنی منشانه اصلاً قبول نداریم چنین چیزی است حتی نگاهمان به قیامت می‌تواند متفاوت باشد. یک موضوع در کشور اتفاق افتاده و بسیار هم ضروری است این هم اضافه کنم آقا در این جریان بسیار تنها هستند ما چند تا مؤسسه داریم که آقا وقتی می‌خواهند شعار سال اعلام کنند مثل رند و کجا و کجا. در آمریکا استراتژی بدهند که بگوییم همه اینها آمدند کمک کردند ولی مقام معظم رهبری خودشان تنهایی این کار را انجام می‌دهند و ما نتوانستیم سطح علمی موسسات پژوهشی را به حدی برسانیم که پشتیبانی علمی کنیم و این کار را نکردیم. مبانی نظری را بفرمایید دستمان پر است که سابقه مطالعاتی و موضوع جای خالی داریم. از لحاظ سوابق تاریخی برای خودش هم یک داستان است. از جهت توجه جهان معاصر به این موضوع در قالب آینده‌پژوهی بسیار این موضوع از همین زمانی که اینها عملی کردند دیگر آرام آرام دارد تولید ادبیات می‌کند. صبر کنیم در غرب این ادبیات تولید شود بعد ما اسلام مالی‌اش بکنیم می‌شود مثل بقیه علوم که ما در آن گیر کردیم. آینده‌پژوهی در اثر انقلاب اسلامی جدی شد ما نشستیم آنجا ادبیات تولید شود به ما بدهند که فرصت برای این کار کم است. آیا همایش جواب می‌دهد همایش یعنی یک ادبیات اولیه‌ای وجود دارد یک عده‌ای بر این می‌شوند که یک شلوغی بکنند و بگویند این موضوع مهمی است کسانی که حرف دارند می‌زنند آن حرف‌ها گفته می‌شود و دیگران متوجه می‌شوند و رشته شکل می‌گیرد کم کم جلو می‌رود اگر همه حرف‌ها قبلاً زده شده بود دیگر به همایش نیاز نداریم اگر چیزی هم وجود نداشته باشد اصلاً همایش نمی‌شود برگزار کرد ما در یک وضعیت هستیم هم چیزهایی داریم و هم کامل نیست این یعنی همایش.

حجۃ الاسلام و المسلمین هادی زاده: منظور از خاص در حوزه مهدویت این نیست که در دایره روایات یا مطالبی که در حوزه مهدویت است کم است یک وقت شما می‌خواهید بگویید تمدن‌سازی در حوزه فرهنگ اسلامی می‌گویید می‌خواهیم تمدن اسلامی بسازیم یک مجموعه معارف دینی را شامل می‌شود وقتی از این فروتر می‌آید و به سراغ مجموعه فرهنگ اسلامی یک بخشی را می‌گیرید و از آن بخش یک عنوانی را می‌گیرید و

می‌گویید تمدن زمینه‌ساز این محدود کردن را من گفتم ، به جای آنکه در آن مجموعه کار خودمان را انجام بدهیم بگوییم ما می‌خواهیم تمدن اسلامی ایجاد کنیم و از تمدن‌سازی سخن می‌گوییم که دست‌مان باز است در مجموعه معارف دینی ما می‌توانیم گفتگو کنیم و بحث را پیش ببریم بحث هنوز در دایره وسیع خودش شکل نگرفته آمدیم در حوزه خاص با همایش در حوزه تمدن‌سازی در گستره فرهنگ مخالف نیستیم. یک همایشی برگزار شود و تمدن‌سازی را در فرهنگ اسلامی مورد مطالعه قرار بدهد. نکتهٔ دوم این بود که نگاه من به مطالعات مهدویت اندیشه مهدوی یک نگاهی است که جهت‌دهی و شکل‌دهی کل معارف اسلامی را دارد نه این‌که بگوییم یک بخشی داریم مهدویت که در قیامت هم می‌شود به آن این طوری نگاه کرد. ما فرهنگ اسلام را در آن شکل واقعی‌اش اگر بخواهیم ببینیم یک مجموعه نظامند منسجم است که در راس این هرم یک ایده‌ای به نام امامت قرار دارد و شخصی به نام امام قرار دارد همه آنچه که در اسلام مطرح می‌شود در سایه این ایده معنا پیدا می‌کند و جایگاه خودش را پیدا می‌کند والا ما به یک مجموعه پراکنده‌ای مواجه هستیم

دکتر همایون: آیا مهدویت بخشی از معارف ماست یا چتر روی معارف ماست یا هیچ کدام؟

حجة الاسلام و المسلمین هادی زاده: مهدویت وقتی شما می‌آید محتوای موجود را نگاه می‌کنید بخشی از اینها است بخشی از روایات و آیات و مطالعات ما است اما وقتی اندیشه اسلامی را به عنوان یک نظام دارید نگاه می‌کنید قله و آن ایده‌ای که همه اینها را پوشش می‌دهد و هر جایی و هر چیزی را برای خودش مشخص می‌کند همه اینها بر اساس آن انجام می‌گیرد و در اینجا بحث تمدن هم مطرح نیست.

دکتر همایون: مگر تمدن اسلامی یک مساله نیست. حالا ما فقہش را چارچوب بندی کردیم درست کردیم. تفسیرش را هم این طوری کردیم. تمدن هم اگر مساله ما می‌بود و ادبیات رشد کرده بود می‌توانست در آبش‌خور مهدویت سیراب شود در حالی که نشده است.

حجة الاسلام و المسلمین هادی زاده: اگر نگاه علمی به معنای مطالعات علمی می‌کنیم. بله. می‌گویید توحید یک بخش است و اگر تمدن را هم بحث کرده بودیم مباحث تمدن هم یک بخش است. اصلاً نگاه من این نیست من وقتی می‌گویم نظام اندیشه اسلامی منظورم این مطالعات نیست یک نظامی است که از زبان وحی برای

ما آمده است در اندیشه پیامبر اسلام(ص) وجود داشته است در نگاه ائمه(ع)هم وجود داشته و بر اساس آن نگاه چیزهایی را در اختیار ما گذاشتند ما یک مرحله باید این داده‌ها را بررسی کنیم تا به نظام این داده‌ها برسیم. ولی در این نگاه اصلا تمدن جایی ندارد. تمدن برون داد این مجموعه است البته این برون داد فقط هم متاثر از این نظام و فرهنگ نیست بلکه متاثر از اقبال روی آوردن مردم و شرایط زندگی مردم هم هست. یعنی اگر پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مدینه آن روز آمدند با یک شرایط و یک مردمی یک طور تمدن بروز پیدا می‌کند، اگر در زمان ما بیایند با یک شرایط علمی تاریخی اجتماعی دیگر و با یک مردم دیگری این تمدن یک طور دیگری بروز پیدا می‌کند حتی در فرمایش شما که می‌گویید از دل تمدن غرب باید برویم به سمت آن یعنی همین تاثیر شرایط، چون امروز این تمدن تحقق دارد ما باید بر اساس این تمدن حرکت کنیم نمی‌توانیم اینها را چشم پوشیم. پس تمدن برون داد آن نظام است و فقط هم تابع آن نظام نیست. وقتی نظام اندیشه‌ای می‌خواهد تحقق پیدا کند یک پایه اساسی‌اش اقبال و پذیرش مردم است. اگر مردم اقبال نکنند تا یک حدی تحقق پیدا می‌کند.

دکتر همایون: شما درباره رجعت چه می‌گویید آیا رجعت یک بخشی از معارف ماست. در رجعت یک نگاه متکامل تر به ظهور است که عالی است. این چه طوری و چیست؟

حجة الاسلام و المسلمین هادی زاده: رجعت را اگر از دیدگاه مطالعات نگاه کنید یکی از موضوعات حوزه فرهنگ اسلامی به این دید است که پشتوانه اش یک مجموعه روایات است که فقط هم محدود به بعد از ظهور نیست. اما در این نظام اندیشه‌ای اگر بخواهید نگاه کنید یک مجموعه را دارد که در این مجموعه خود رجعت هم در این نظام جایگاهی ندارد که بگوییم یکی از مبانی است. لذا در بحث‌های کلامی هم به این اشاره می‌کنند اما یکی از چیزهایی است که نسبت به آینده گزارشاتی می‌دهد که این روندی که شما دارید طی می‌کنید یک این طور مرحله‌ای هم دارد. این که می‌گویم گزارش و جزء نظام نیست شاهدش این می‌تواند باشد که اگر ما اقبال مردم در زمان معصومین(ع) به گونه دیگری بود و مردم غالبا هدایت را می‌پذیرفتند نه در حد نماز خواندن در سطح بالای بندگی می‌پذیرفتند داستان به گونه دیگری تحقق پیدا می‌کرد و شاید رجعت مطرح نمی‌شد با این که اندیشه اسلامی همچنان جای خودش است.

حجۀ الاسلام و المسلمین پورسید آقایی: آقای دکتر نظرش این است که ما در این زمینه مقدمات کار

را داریم و البته کارهای نشده‌ای هم داریم که این همایش می‌تواند زمینه‌ای باشد برای بخشی از کارهای نشده. ایشان می‌گویند با توجه به این که در حوزه تمدن اسلامی آن قواعد و ساز و کارهای هنوز خیلی کار نشده شما می‌خواهید در عرصه مهدویت که در این عرصه هم بخش زمینه‌سازی اش را می‌خواهید مطرح کنید برای همایش مناسب نیست با توجه به این که سابقه همایش را می‌دانیم. آقای دکتر فرمودند ما داریم. آقای امیر محسن عرفان شما چه می‌فرمایید؟

حجۀ الاسلام و المسلمین هادی زاده: آنچه که آقای دکتر می‌گویند ما داریم آن‌ها هم زمینه مطالعه

تمدن در مورد فرهنگ اسلامی است و من هم مخالف نیستم. ما یک تاریخی از تمدن داریم که می‌توانیم مطالعه کنیم و ببینیم اندیشه اسلامی و مبانی اسلامی چقدر در آن تاثیر داشته است اینها را می‌توانیم بررسی کنیم. در مبانی یک چیزهایی دارند که می‌توانند فرهنگ را تغییر بدهند و تغییر فرهنگ می‌تواند برون‌داد تمدنی متفاوتی داشته باشد بحث ما این بود وقتی که تمدن‌سازی بحث نویی است چه‌طور می‌خواهیم این بحث را محدود کنیم و به آن پردازیم.

امیر محسن عرفان: عنوان همایش مهدوی آسیب‌زا است. این که شما می‌گویید فرهنگ و تمدن زمینه‌ساز

راهبردها و راهکارها. ما در حقیقت یعنی بحث می‌شود انتزاعی و ذهنی و معیار راستی آزمایی اش چیست که اگر طرف در مقاله اش گفت این نوع نگاه را ما داشته باشیم ما به تمدن‌سازی می‌رسیم یا در تمدن باید بحث کنیم مولفه‌های اقتصادی اجتماعی فرهنگی دارد. یک آسیبی دارد که شاید انبوه مقالاتی که به دست ما می‌رسد ما هیچ معیار راستی آزمایی نداریم.

حجۀ الاسلام و المسلمین پورسید آقایی: در حوزه تمدن اسلامی که ایشان می‌گویند این قواعد

استخراج شده است و به اندازه کافی مباحث فروج است یا نه؟

امیر محسن عرفان: با کمال تأسف من احساسم بر این است انبوه کتابهایی که پیرامون فرهنگ و تمدن

نوشته شده نوع نگاهش به تاریخ تمدن جهان بوده و مظاهر تمدنی واکاوی شده است ما اثر فاخر پیرامون تمدن

نوین اسلامی که مقام معظم رهبری چندین سال پیش شعارش را مطرح کردند نداریم یعنی اخیراً کتابی چاپ شده با عنوان نقش امامان معصوم علیهم‌السلام در فرهنگ و تمدن اسلامی که با کمال تأسف ظلم به امامان معصوم علیهم‌السلام بوده است یعنی گفته نقش امام صادق علیه‌السلام در شیمی مثلاً شاگرد جابر بن حیان نقش امام باقر علیه‌السلام در ضرب سکه مشاوره با فلان خلیفه. اینها ظلم است هنوز درک واقعی از نقش فرهنگی امامان معصوم (ع) وجود ندارد. اما گاهی وقتها می‌گوییم فرهنگ و تمدن اسلامی نگاه تاریخ تمدنی داریم. گاهی وقتها می‌گوییم تمدن و مراد از تمدن رویکرد جامع و بنیادی است مثلاً ما در اندیشه‌شناسی پیرامون آموزه مهدویت می‌گوییم با سه نوع اندیشه سکولاریته، نص محور و جامع مواجه هستیم داریم نوع نگاه سکولارهای مسلمان به آموزه مهدویت که می‌گویند آموزه مهدویت کامل است اما جامع نیست برای الان ما که بخواهیم از آن درس بگیریم ناکافی است. نگاه نص محور که پیامدش علائم ظهورگرایی افراطی است در اندیشه بنیادین راهبردی و تمدنی به آموزه مهدویت این آموزه خاستگاهی فرهنگی دارد. معتقدم مرحوم امام، مقام معظم رهبری، شهید صدر یا مطهری اینها نوع نگاهشان به آموزه مهدویت تمدنی بوده است. به این معنا که ما بگوییم مرادمان از تمدن در کلاس‌های روش تحقیق می‌گویند تعریف اصطلاح بر عهده محقق است یعنی ممکن است کسی فراتر از آنچه که مصطلح است مراد اراده بکند من مرادم از واژه این است که یعنی رویکرد عینی به آموزه مهدویت که الان عینی بوده است تا الان منفعلانه بوده و من می‌خواهم فعال شود به تعبیر شهید صدر ایشان در کتاب ابحاث حول المهدی می‌گوید تا الان ما هر موقع از سوی اهل سنت، مستشرقین و زیدیه مواجه با شبهه زنده بودن حضرت شدیم ما منفعلانه جواب می‌دادیم هنوز نتوانستیم به گونه‌ای تقریر بکنیم که لزوماً منجی باید زنده باشد و آن کسی که منجی‌اش در آسمان‌هاست یا متولد نشده او به تکاپو بیفتد. ما کارکردها را نگفتیم، اینها شاخصه‌های نگاه تمدنی است. یعنی ببینیم اگر مثلاً فقه ما تمدن‌ساز است چه ویژگی‌هایی دارد ما همان نگاه سیستمی را در آموزه‌های مهدویت مطرح کنیم اما یک مشکلی که دارد که وقتی شما عنوان را می‌گذارید فرهنگ و تمدن زمینه‌ساز راهبردها و راهکارها یعنی موضوع را در انواع نگاهی که می‌توانیم به آموزه مهدویت داشته باشیم خاص کردیم به یک موضوع بسیار جزئی که باز دوباره آنجا معیاری برای راستی آزمایی نداریم.

حجۀ الاسلام و المسلمین پورسید آقایی: راهبردها یک بخشی است. مبانی نظری اگر بنا باشد

چالش‌هایی داشته باشد اینها بخش‌های عنوان همایش است. راهبردها هم به این معنا نیست که معیاری برای راستی‌آزمایی ندارد. یعنی اگر شما آمدید معیارهایی را استخراج کردید برای تمدنی که این تمدن اگر ایجاد شود زمینه ظهور حضرت است حالا چه طور برسیم به آن؟ من راهبرد بخواهم برای دستیابی از این وضع موجود به آن تمدن مطلوبی که شما آمدید بعضی از شاخصه‌هایش را می‌گویید. مثلاً اگر آمدیم گفتیم تمدن زمینه‌ساز یک شاخصه‌اش وحدت اسلامی است با توجه به این اختلافات از این وضع موجود آن هم مثلاً ایران اسلامی شیعی اگر بخواهد برسد به آن باید چه کار کند؟ چند تا راهبرد می‌دهید و بر اساس آن راهکار می‌دهید. مثلاً در عرصه آموزش و پرورش و سیاست خارجی و رسانه ممکن است شما چند تا راهبرد بدهید اما مبانی نظری چالش‌ها و گفتگوهایش را در محورهای دیگر است راهبردها و راهکارها یکی از محورهای فراخوان ما است. فراخوان ما سه تا چهار تا محور اساسی دارد که هر کدام ریز محور دارد. راهبردها کار تخصصی هم است. معمولاً کسانی که به آن می‌پردازند خیلی محدود است. ما بیشتر خود حوزه کاری ما آن توقعی که از دانشگاه و حوزه داریم همین است که در مبانی نظری‌اش محورهای نظری، ایشان نظرش این است که با توجه به دستمایه‌های کم این برای همایش مناسب نیست. شما معتقدید دست‌مایه‌های ما در آن قسمت خیلی کم است؟

امیر محسن عرفان: اگر مراد این باشد جایگاه آموزه مهدویت یا پیوند آموزه مهدویت و تمدن نوین اسلامی

طبیعتاً چون می‌توانیم با گونه‌های مختلف نگاه کنیم نه خوب است. یک مقداری کار شده و یک مقداری باید دنبال تولید باشیم، یکی از ضرورت‌های اتخاذ رویکرد تمدنی به آموزه مهدویت پیشتازی رقبای دینی ما در این امر است. در بحبویه جنگ اسرائیل با غزه ۲۲۰ میلیون دلار سنای آمریکا تصویب می‌کند به اسرائیل داشته باشد پشتوانه فکری‌اش مبتنی بر تفکر است صهیونیست مسیحی است برای آمریکا و این سرزمین مقدس است و این پول باید داده شود که مسیحا بیاید کما این که در کتاب هزاره‌گرایی نوشته دکتر حسین کلباسی اشتری اشاره شده است به نگاه سیستمی جریانی غیر ساکن مجموعی نسبت به آموزه موعود در غرب در جنگ آمریکا و عراق ۲۰۰۲ عمده مردم آمریکا مخالف جنگ بودند اتاق‌های فکر آمریکا یک کلمه در دیالوگ سخنرانی جرج بوش گذاشتند و روی آن مانور دادند ایشان در سنای آمریکا گفت ایران، عراق، کره شمالی محور شرارت شما به کتاب اشعیای نبی را ببینید

در عهد عتیق عین عبارت است که اینها معتقدند یکی از زمینه‌سازان ظهور مسیحیان الیاس است چند کار انجام می‌دهد و یکی از کارهایش مبارزه با کانون شرارت است. یعنی در حقیقت جنگ آمریکا و عراق جنگ زمینه‌سازی ظهور می‌شود. ایشان می‌گویند وقتی که آمار می‌گیرند با همین کلمه مقدار مخالفین کم می‌شود. در متن دیالوگ سیاستمداران آمریکایی هم مضامین آخرالزمانی آمده است اگر می‌گوییم نگاه تمدنی صرفاً نگاه خاص نداشته باشیم مراد ما نگاه جامع و بنیادی باشد که در آن اندیشه‌شناسی باشد نگاه به گذشته باشد تبیین مبانی فکری باشد اتخاذ الگو ساز کار فراتمدن عصر ظهور باشد و در ضمن راهبردها و راهکارها هم باشد.

دکتر همایون: من هم به این دسته بندی رسیدم. ما یک سری مباحث نظری داریم که هم دستمان پر است از جهت مصالح اولیه و هم نیازمان بسیار شدید است. یک سری بحث‌های تاریخی مصداقی است و حتی تطبیقی داریم که می‌توانیم در مورد اینها کار کنیم و مصداقشان را در موضوع مهدویت ببینیم مثل خود تمدن اسلامی خودمان الان چیزهایی که ایشان می‌فرماید چه خبر است چه در طول تاریخ که چه اتفاقی افتاده است و همانطور که فرمودید گل این ماجرا راهبردهاست که نویسندگان هایش آدم‌های خاصی هستند و شما هم توقع ندارید ۱۵۰۰ نفر مقاله بدهند.

حجۀ الاسلام و المسلمین پورسیدآقایی: آیا شما به ضرورت و اهمیت این موضوع معتقدید؟ و از یک طرف هم لااقل برای بخش مبانی نظری تاریخی معتقدید که ما یک حدی و کفی از مقالات و پژوهش‌ها را داریم که بتوانیم این همایش را برگزار کنیم؟

حجۀ الاسلام دکتر سهرابی: نکته‌ای را اضافه کنم در واقع ما تمدن را یک تعریف متناسب با خاص خودمان بکنیم از این مقوله بیاییم بیرون نه این تمدن کلاسیکی که تعریف کرده‌اند، فکر کنم شما با این دید صحبت می‌کنید؟

امیر محسن عرفان: گاهی وقت‌ها شما می‌گویید فرهنگ و تمدن اسلامی قید اسلامی بر فرهنگ زده می‌شود یعنی فرهنگی که زاییده اسلام است این نسبت ملکی است و قید اسلام بر تمدن می‌شود وصفی یعنی تمدن اسلامی جلوه‌گاه فرهنگ اسلامی است. این نوع تعریف می‌شود تعریف به تاریخ مظاهر تمدنی مجموعه

دستاوردهای مادی اجتماعی سیاسی اسلام مبتنی بر فرهنگ اسلامی نمونه‌هایش هم برمی‌شمارد ولی گاهی وقت‌ها فراتر از این را می‌بینید که گونه‌های مختلفی تمدن‌پژوهی‌اش دیده بشود کشف مبانی شود آن ارائه راهبردها باشد. در غرب و ایران تمدن‌پذیری به مثابه ارائه راهبردها یعنی همان بحثی که مطرح می‌شود احیای تمدن اسلامی است اگر بخواهید با این زاویه نگاه کنید یک تعریف توصیفی به گذشته را نمی‌توانید داشته باشید غالباً تعریف‌هایی که برای فرهنگ و تمدن شده است. ناظر به گذشته تاریخ است.

حجة الاسلام دکتر سهرابی: اجازه داریم این کار را بکنیم یعنی تصرف بکنیم. یک تعریف جدید نوئی داریم و ساختارشکنی کردیم.

امیر محسن عرفان: نه این کار را نکردیم. ناظر به تمدن پژوهی و کشف راهبردها و قوانین نبوده است شما فراتر از این را باید نگاه کنید.

حجة الاسلام و المسلمین پورسیدآقایی: نگاه توصیفی است.

دکتر همایون: حتی اگر تحلیلی هم باشد پسین است اول واقعه اتفاق افتاده آنها از روی آن دارند فرمول در می‌آورند. شما می‌توانید در اندیشه آینده نگرانی‌تان جلو بیفتید. یک مقداری مطالعه تاریخ دارید و یک مقداری مبانی نظری دارید که می‌توانید فرمول در بیاوری.

حجة الاسلام و المسلمین پورسیدآقایی: قواعد ایجاد یک تمدن چیست؟ با توجه به این که شاخص‌ها برای ایجاد تمدن را داریم یک تمدن موعودی هم داریم ما می‌توانیم بگوییم آن تمدنی که برای ما توصیف کردند این است. ما برای آن تمدن اگر بخواهیم از وضع موجود برسیم به آن تمدن موضوع، بایستی این را واسطه‌ای طی بکنیم باید برسیم به این حد شما می‌گویید می‌توانیم.

امیر محسن عرفان: کار قشنگی می‌شود در این زمینه کرد کشف قوانین است چند نوع کشف مبانی داریم.

حجة الاسلام و المسلمین هادی‌زاده: اصل همایش راهبرد است.

دکتر همایون: دکترین واقعیت تحقق همیشگی‌اش راهبرد است همایش همین است که نظرشان را می‌دهند و

کم‌کم ادبیاتی تولید می‌شود که کدام شاخه علم مجمع علیه است.

حجۀ الاسلام و المسلمین هادی زاده: اگر الان ما بین دو گونه همایش مختار باشیم یک تمدن‌سازی

اسلامی، دوم تمدن زمینه‌ساز کدام مقدم است؟

دکتر همایون: من فرقی بین این دو تا نمی‌بینم. من مهدویت را نقطه پایان همه ماجرا می‌بینم. وقتی شما

دارید تمدن‌سازی اسلامی می‌کنید اصلاً نمی‌توانید از سیطره موضوع مهدویت فرار کنید.

حجۀ الاسلام و المسلمین هادی زاده: این معنایش این می‌شود شما می‌گویید وقتی ما داریم از تمدن

زمینه‌ساز صحبت می‌کنیم یعنی از تمدن اسلامی داریم صحبت می‌کنیم. اگر این فرمایش شما را بپذیرند که وقتی

می‌گوییم تمدن زمینه‌ساز منظورمان تمدن اسلامی است یعنی می‌شود آن همایش را گذاشت فرهنگ و تمدن

اسلامی راهبردها و راهکارها، می‌شود گذاشت فرهنگ و تمدن زمینه‌ساز راهبردها و راهکارها، من می‌گویم این دو

یکی نیستند. ایشان که می‌گویند موادش همانند است به خاطر همین است که این دو را یکی می‌دانند یعنی

می‌گویند تمدن زمینه‌ساز همان تمدن اسلامی است. یعنی ایشان که می‌گویند مطالعات لازم برایش فراهم است

برای تمدن اسلامی را می‌گویند فراهم است.

حجۀ الاسلام و المسلمین پورسیدآقایی: ایشان تمدن اسلامی را می‌گویند که حقیقتش محور امامت

است. اگر نباشد اسلام نیست صریح آیه قرآن است. اگر امام و امامت نباشد اسلامی نیست. این که ایشان می‌گویند

همین است. ایشان می‌گویند من که دارم می‌گویم مهدویت و اسلام مرادم به خاطر نقش برجسته‌ای آموزه امامت و

مهدویت در اسلام دارد که اگر این نباشد یا چه و چه به خاطر این است که می‌خواهد اهمیت موضوع را بگوید نه

این که امامت مساوی با اسلام است.

حجۀ الاسلام و المسلمین هادی زاده: ما چنین چیزی را برداشت نکردیم شما اگر مشکلی با این بحث

ندارید بیاید راحت موضوعتان را عوض کنید بگویید فرهنگ و تمدن اسلامی یا تمدن‌سازی اسلامی این همایش را

موضوع قرار بدهید و مشکلی ندارد.

دکتر همایون: تمدن اسلامی سه رکن دارد که از بعثت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ شروع شده و آمده جلو رسیده به

چهار خلیفه بعد از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و بعد آمده در بنی امیه که فرمودند خیلی رشد کرده است و قصر ساخته‌اند اینها آثار تمدنی است آمده تا ۶۵۶ حمله مغول فروپاشیده است و بعد اگر این طرف و آن طرف فاطمیون و آل بویه‌ای داریم و بعد صفویه و شیعه و غیر شیعه و بعد افول مثل بمبی بوده که زمین خورده و تمام شده است. نگاه دوم که نگاه شیعی تری است و مثل کتاب آقای دکتر ولایتی است که تمدن در آن تمدن واقعی نیست. می‌گوید تمدن از بعثت پیامبر اکرم شروع شده و جلو آمده غصب شده و به امیرالمومنین (ع) رسیده زمان امام مجتبی (ع) دوباره این ماجرا اتفاق افتاده است عاشورا پیش آمده در دل اهل بیت (ع) آمده جلو و بعد مثلاً قیام مختار و زید هم در آن معنادار است و آل بویه و... معنی دار است و آمده در سال ۱۳۳۵ حمله سلطان محمود افغان دیگر فراتر از این نرفته که دیگر شما چهار باغ و مسجد شاه اصفهان را هم می‌آورید جزء تمدن اسلامی و بیمارستان منصوریه و... را می‌آوریم آنجا می‌گوییم تمدن اسلامی است و یک نگاه هم این است که تمدن از روز اول قرار بوده به همین شکل گسترش پیدا کند و یک مقطع جدی‌اش در بعثت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ شکل گرفته است که ما ایشان را پیامبر آخر زمان می‌دانیم و اصل تحقیقش هم در زمان ظهور خواهد بود بقیه این سیر تاریخی بر اساس این قابل ارزیابی است که کجا این تمدن شکل گرفته است.

حجة الاسلام و المسلمین حسینیان: ایشان تمدن مهدوی را تمدن اسلامی می‌دانند نه با امامت که یک بخش عمده است. چه بگویید تمدن اسلامی چه بگویید مهدوی یک بخش است.

دکتر همایون: شما این را بگذارید ملک و این کاری که ما الان در جمهوری اسلامی داریم می‌کنیم تمدن سازی است. این طوری که می‌گویید مساله حل است. آقا فرمودند تمدن سازی می‌کنیم و کاری هم نداریم به کجا متصل می‌شود ما باید کار داشته باشیم ولی تمدنی که ما درست کنیم متصل می‌شود به آن اتفاق که ممکن است اسمش تمدن نباشد و فراتمدن باشد.

حجة الاسلام دکتر آیتی: ما فقط می‌خواهیم بدانیم نقش عنصر مهدویت چیست؟

دکتر همایون: این دو نوع نگاه است. آنکه می‌فرماید تمدن‌سازی نقش دارد تولید علم و حکومت و ساختار

است موضوع سبک زندگی است. چند عامل می‌شود که هیچ کدامش مهدویت نیست.

امیر محسن عرفان: منظورشان این است که تمدن اسلامی زاینده فرهنگ اسلامی است و فرهنگ اسلامی

خودش یک شاخصه‌هایی دارد همه تمدن‌ها دنبال یک هویت غایی هستند یعنی در هویت‌شناسی می‌گویند هویت

تأسیسی داریم تداومی داریم و هویت غایی داریم فرهنگ اسلامی است آن هویت غایی که برای تمدن در نظر

گرفته است حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه است در این فرهنگ اسلامی است که پشتوانه تمدن اسلامی و

تمدن جلوه‌گاه فرهنگ اسلامی است این فرهنگ اسلامی است که امام معصوم (ع) و قرآن نقش دارد و هویت

غایی اش آموزه مهدویت است.

دکتر همایون: کل این آموزه‌ها که شما می‌گویید همه اینها کجا تجلی پیدا می‌کند آن واقعه آخر.

امیر محسن عرفان: آنها معتقدند که تمدن مهدوی همان اسلامی است اما وقتی می‌گویند تمدن زمینه‌ساز

قید می‌زنید تمدن را یعنی تمدن را در جامعه اسلامی که گرفتید یک بار معنوی دارد.

دکتر همایون: الان یک مرحله‌ای را ما می‌بینیم و می‌گوییم وظیفه ما الان نسبت به آن جریان کلان چیست

هم داریم گذشته را تحقیق می‌کنیم و هم حال و هم رویمان به سمت آینده است.

حجة الاسلام و المسلمین حائری‌پور: یک سوالی مطرح بود این که اصلاً ما برای رسیدن به تمدن

مهدوی وظیفه داریم تمدنی را بسازیم یا می‌گوییم در عرصه فرهنگ باید یک کاری بکنیم ولی واقعاً از کجا این

حرف درآمده که برای رسیدن به آن تمدن بزرگی که شما می‌گویید فراتر از تمدن است ما الان وظیفه داریم یک

بابی را بلند کنیم که ببینیم چه نوع تمدنی را بسازیم.

دکتر همایون: این بحث خیلی مهم است به دلایلی ما باید تمدن بسازیم که کمش فرمایش آقا است که این

اتفاق باید بیفتد و یکی دیدگاه حضرت امام (ره) که برای چه انقلاب کردیم امام این اسم را نمی‌آورند آقا این اسم را

با همین اصطلاح تمدن‌سازی می‌آورند. حالا این مبانی نظری خارج از فرمایش آقا و امام هم داشته باشد باید چند تا

مقاله نوشته شود.

حجۀ الاسلام و المسلمین پورسید آقایی: با توجه به مطالعه‌ای که شما دارید در این زمینه کارهای

بالفعل انجام شده است یا نه؟

دکتر همایون: خیلی کم.

حجۀ الاسلام و المسلمین پورسید آقایی: کلاً راجع به عرصه تمدن‌سازی کارهایی شده است؟

دکتر همایون: کارهای عمومی شده است آن آقا باید متوجه شود که باید کار یا مقاله اش را یک بار دیگر با

رویکرد مهدوی بازنگری کند.

حجۀ الاسلام و المسلمین پورسید آقایی: تمدن در غرب چه قدر رشد کرده است؟

حجۀ الاسلام دکتر سهرابی: در بحث تمدن‌سازی درست است خرده نظام‌هایی وجود دارد ولی در عین

حال می‌گویند در این تمدن‌سازی آنچه که بسیار مهم است عنصری است که بتواند نقش محوری داشته باشد هم

حیث رویکردی را چتر می‌کند و هم چتری است که همه را پوشش می‌دهد لذا اگر بحث مهدوی و زمینه‌ساز را

اینجا ملاحظه کردید این بخش محوری و کلیدی است. حتی در بحث فرهنگ که به عنوان یک نظام فرهنگی

است در اینجا هم یک روحی باید داشته باشد چون در عرصه فرهنگ به عنوان یک نظام در بحث تمدن‌سازی

می‌توانید یک چیزی را به عنوان محور قرار بدهید غیر از مهدویت. در حالی که می‌بینیم با این گفتگوها غرب هم

به این رویکرد رسیده است. غرب هم نگاه آخرالزمانی را در نقش محوری در عرصه تمدن‌سازی دارد یعنی غرب به

بحث آخرالزمانی رسیده است.

امیر محسن عرفان: یعنی تمدن غرب برای این که پویا شود تنفس مصنوعی که می‌دهند تنفس آخرالزمانی

است یعنی برای جلوگیری از میرایی می‌گویند این حرکت جهان باید به سمت و سوی ظهور مسیح باشد تمام

تحولات دنیا را در این زمینه معنا می‌کنند. کما این که آقای حامد الگار انگلیسی اصلی که رفت آمریکا و بعد سنی

شد و تحت تأثیر کتاب‌های مرحوم سید مجتبی موسوی لاری شیعه شد ایشان می‌گویند تحولات دنیا براساس نزاع

حق و باطل شکل می‌گیرد بعد می‌گوید تعجب این است که در این روزگاری که ما داریم زندگی می‌کنیم دعوای حق و باطل بین دو کشوری است که هر دو اعتقادات آخرالزمانی بسیار عمیق دارند کشور اسرائیل که بر اساس زمینه‌سازی ظهور مسیحا شکل گرفته است و ایران اسلامی که معتقد به ظهور مهدی است. ایشان می‌گویند تمام تحولات دنیا را که می‌بینید پشت سرش دعوای این دو تاست که هر دو اعتقاد عمیق آخرالزمانی دارند. در غرب می‌گویند تاریخ جبری است. کانت می‌گفت تاریخ جبری است. ماکس هم همین را می‌گفت. اسلام می‌گوید تاریخ را انسان می‌سازد در حقیقت خدای متعال نمی‌خواهد ما انسان‌ها به قیمت جبر بهشتی شویم. خدای متعال می‌خواهد ما مختار باشیم به هر قیمتی، مهم اختیار انسان‌هاست و جالب این است که ما در کشف قوانین حاکم در تمدن می‌گوییم تمدن اسلام انسان‌ها را تمدن می‌سازند. با اسلام‌شناسی دینی متعالی اسلامی که مبتنی بر اراده انسان‌هاست و جالب این است برای رسیدن به دستاوردهای فراتمدنی اسلامی اراده اسلامی باید باشد در حقیقت لزوم زنده بودن مهدی موعود هم در اینجا معنا پیدا می‌کند. یعنی دارد درس می‌دهد که باید بخواهید و تمدن زمینه‌ساز هم یعنی همین. یعنی اراده خاصه آن بلوغ اجتماعی که ما به آنجا برسیم و کشف قانون در تمدن‌پژوهی جواب می‌دهد و در همین جا معنا پیدا می‌کند. شما بحث تکامل که می‌کنید می‌گویید آنجا بحث عبودیت توان حضرت و در تمدن از فناوری تکنولوژی است. در تمدن غرب انسان‌محور است تمدن اسلامی خدامحور است و انسان مسئول سرنوشت خویش است. توده مردم مخاطب تمدن غرب هستند اما در تمدن اسلامی امت واحده مخاطب است یعنی در تمدن اسلامی ما مرز نداریم نژاد معنا ندارد.

حجۀ الاسلام و المسلمین پورسیدآقایی: ما این نقش‌ها را داشتیم .

امیر محسن عرفان: من می‌خواهم بگویم هنر مرحوم شهید مطهری این بود که در نقد کتاب عبدالحسین زرین‌کوب کتاب خدمات متقابل ایران و اسلام را نوشت و نام بسیار زیرکانه ای انتخاب کرد و در جشنواره شیخ طوسی دیدم یک عرب شیعی اعتراض کرد گفت تمدن اسلامی قیدش باید اسلام باشد نه عرب نه ایران باشد و نه تمدن شیعه و اهل سنت باشد تمدن اسلامی است که البته خدمت امامان معصوم (ع) به تمدن اسلامی از همه بیشتر است. در نژادها هم خدمت ایرانی‌ها بیشتر است. وقتی شما آن مبانی فکری که درآوردید دیدید تمدن مبتنی بر امت واحده است.

دکتر همایون: غرب در ادعای توجهش به آخرالزمان صادق نیست یعنی این طوری نیست که اسرائیل واقعا دنبال آخرالزمان خودش است فقط چون آخرالزمانش یک تصویر دیگری دارد با ما فرق می کند یا آقای بوش که آن ادعاها را می کرد واقعا دنبال این است که مسیح برمی گردد آنها به طور کلی دقیقاً آخرالزمان ما را می شناسند و یکی هم بیشتر نیست ما چون داریم آینده سازی می کنیم و تمدن سازی می کنیم اینها ناچار هستند یک تصویر اشتباه از آخرالزمان ایجاد کنند که آن کسانی که از سر صدق می خواهند به ما بپیوندند به ما نپیوندند و به آنها بپیوندند یعنی حزب شیطان هیچ باوری ندارد.

حجۀ الاسلام و المسلمین هادی زاده: به نظرم می آید بین تمدن اسلامی و تمدن مسلمین باید تفکیک کرد. تمدن اسلامی در هیچ کجای تاریخ تا الان تحقق نیافته است و اگر بخواهد تحقق پیدا کند فقط در آخرالزمان خواهد بود. اگر این تفکیک را پذیرفتیم نتیجتاً آنچه که تاکنون اتفاق افتاده و آنچه که ما دنبالش هستیم و حتی اگر دنبالش هم نباشیم تحقق پیدا می کند اینها تمدن مسلمین است. تمدن مسلمین رنگ و بویی از فرهنگ مسلمین خواهد داشت یعنی من ایرانی این نظام جمهوری اسلامی که در ایران است وقتی دنبال رویکرد تمدن است آنچه که تحقق پیدا می کند تمدن اسلامی که متأثر از فرهنگ است و در این نگاه دیگر تمدن های متفاوتی می توانیم داشته باشیم می توانیم تمدن عربی و ایرانی داشته باشیم می توانیم تمدن را از حیث تاریخی بگوییم صفوی و آل بویه و... تنوع هایی از تمدن می توانیم داشته باشیم.

حجۀ الاسلام و المسلمین پورسید آقایی: ظواهر غیر از ثوابت است اشکال ندارد.

دکتر همایون: به آن سمت می رویم اگر ماجرای رجعت هم حل شود دلیلی نداریم بگوییم چادر برای شبه جزیره عربستان است و اگر رفتیم نروژ چادر نیست. چادر اگر واقعاً اسلامی باشد و نماد اسلامی باشد آنجا هم چادر است و اینجا هم چادر است.

حجۀ الاسلام و المسلمین هادی زاده: معیارهای اسلامی چنین جهتی ندارد. حتی حکومت واحده جهانی هم تصویرهای متفاوتی می تواند داشته باشد از آنچه که از روایات و آیات برمی آید این که در آن تنوع وجود دارد. در حدی که مثلاً آدمی که در آفریقا زندگی می کند پوششش غیر از آدمی است که در روسیه دارد زندگی

می‌کند و آنچه که مشترک است معیارها است یعنی معیارهای کلی که برای دین دادند رعایت می‌کند. منتها این معیار این طوری نیست که دست روی مصداق بگذارد و بگوید ظرف چای خوردن شما این است و لا غیر. آن معیار گستره‌ای از مصداقها را در اختیار می‌گذارد. این موضوع نیست ولی جای بحث است.

امیر محسن عرفان: تمدنی که در گذشته به وجود آمده مورد رضایت اسلام نبوده است. آرمانی اسلام هم نبوده ولی دستاوردها به خاطر توجه مسلمین با آموزه‌های اسلامی بوده است این را جدا نکنیم یعنی اگر در قرن ۴ و ۵ هم ما به فناوری و تکنولوژی رسیدیم به خاطر این است که مسلمان‌ها به فرهنگ قرآنی چنگ زدند و تعصبات را کنار گذاشتند.

حجۀ الاسلام و المسلمین هادی زاده: تأثیر اسلام در بیان من نفی نشد بلکه تفکیک شد بین تمدن اسلامی و تمدن مسلمین. اصلاً خود این مسلمین بار دارد وقتی می‌گوییم تمدن مسلمین یعنی جامعه‌ای که با اندیشه اسلامی ولو با کمرنگش دارد زندگی می‌کند یک تمدنی برای خودش دارد.

امیر محسن عرفان: اینها عنوان کتاب را گذاشتند فرهنگ و تمدن اسلامی ناظر به گذشته است که عمده‌تاً زمان بنی‌عباس و آل‌بویه بوده است یعنی عمده تعاریف تمدنی ما تعاریف تمدنی مصداقی است.

حجۀ الاسلام و المسلمین هادی زاده: بحث از تمدن اسلامی در قالب نظری می‌شود یعنی شما می‌توانید آنچه از اندیشه اسلامی منجر به تمدن می‌شود را شناسایی کنید تعریف کنید و آنچه که از این اندیشه اسلامی تأثیر می‌گذارد که تمدن اسلامی را متفاوت از دیگر تمدن‌ها نشان بدهد آن هم می‌توانید روشن کنید. ولی از بیرونش و تحقق خارجی‌اش نمی‌توانید بحث کنید تحقق خارجی برای یک دوره‌ای است که تمام شرایط فراهم شود. پیامد این بحث این است که ما اگر بخواهیم در رابطه با تمدن‌سازی بحث کنیم باید گام‌هایی از بحث را طی کنیم یک گام اول ما بررسی گذشته تمدن‌ها است که یک بررسی تاریخی است که ما بتوانیم قواعد حاکم بر آمد و رفت تمدن‌ها طلوع و غروب تمدن‌ها را به دست بیاوریم که بر اساس آن قواعد شاید بتوانیم یک سری از کارها را سامان بدهیم یک گام بحث دیگر این است که به‌طور خاص بیاییم در حوزه فرهنگ اسلامی بررسی کنیم در گذشته تاریخ چه عناصری از اندیشه اسلامی باعث شده است فرهنگ مسلمین در گونه‌های مختلفش تحقق پیدا

کند. گام دیگری که می‌توانیم داشته باشیم این که فارغ از بیرون بیاییم با یک سری سوال‌های در حوزه تمدن‌سازی به منابع مراجعه کنیم و از منابع استفاده کنیم و ببینیم در حوزه تمدن‌سازی چه چیزی به دست می‌آید و البته لغزشگاه گام سوم هم یک بحث روشی است یعنی ما نمی‌توانیم هر چیزی را یک حلقه واسط قرار بدهیم بیاییم بگوییم از این روایت این استفاده می‌شود روش در فهم آنچه که وحی در اختیار ما گذاشته است خیلی مهم است یک پایه روشی در مطالعه کلان این چینی است که اولاً آن نظام اندیشه‌ای را فهمیده باشیم تا آن را نفهمیده باشیم یک سری مطالعات پراکنده‌ای می‌کنیم که به نظر می‌آید چیزهای خوبی به دست آوردیم اما اینها مطابق با آن نظام نیستند به هر روایتی که بخواهیم مراجعه کنیم باید آن سازمان را فهمیده باشیم. مردم گاهی به جمال حرف نگاه می‌کند نه به استنادش و باید حواسمان جمع باشد جایی که مخاطب من به زیبایی حرف نگاه می‌کند من در معرض خطر هستم و کم کم خودم باور می‌کنم این که حرف خوبی است در حالی که معیار برای خوب بودن یا بد بودن حرف این که باید ببینم استنادش کجاست آیا با روش مناسب اتفاق افتاده یا نه؟

دکتر همایون: دکتربین را تحلیل نکردید و کمک کردید از لحاظ روشی رشد کنیم.

حجة الاسلام و المسلمین هادی زاده: اگر دغدغه روشی نداشته باشیم این مطالعات از حیث دقت و استناد روش به ما کمک نمی‌کند چون وقتی دقت روشی نداریم یک چیزی آوردیم و همه هم می‌پذیرند که خیلی هم خوب است. ما مبتلا به این آفتیم من یک حرفی بزنم مخاطب نگاه نمی‌کند این کجا مستند است نگاه می‌کند که چقدر حرف جدیدی است. من می‌توانم ده جلسه را حرف بزنم و همه را جذب کنم.

دکتر همایون: خود استناد هم یک مفهوم روشی است.

حجة الاسلام و المسلمین پورسیدآقایی: اگر فرض بفرمایید که این موضوع را با توجه به مطالعات و دست‌مایه‌های شما زمینه‌هایش است با همه کمبودهایی است که حالا فرض بفرمایید این موضوع را اگر نخواهیم مطرح کنیم با توجه به فرمایش مقام معظم رهبری و دلایل دیگر که این موضوع مناسب می‌آید حالا فکر می‌کنید موضوع دیگری است که بدیهی باشد و اهمیت بیشتری داشته باشد. **مثلاً الگوی اسلامی ایرانی**

پیشرفت و زمینه‌سازی ظهور یا اندیشه مهدویت. بیاییم پیشرفت را با بحث زمینه‌سازی ببینیم

چه رابطه‌ای دارد. مثلاً آقای دکتر آیتی مطرح کردند **بحث اندیشه نجات** که در ادیان مختلف . به نظر شما موضوعات دیگری برای همایش هست به لحاظ اهمیت مناسب تر باشد .

دکتر همایون: اگر می‌شد برگردیم به روز اول عرض می‌کردم اول یک تمدن زمینه‌ساز بگذاریم این نگاه کلی روشن شود و بعد در آن اجزا را باز کنیم یعنی مثلاً خانواده، هنر، سازمان و... الان فکر می‌کنم دیر شده است نه این که گزینه‌های دیگری نداریم مثلاً سازمان گزینه خوبی است نظام ساختار سازمانی و اداری ما همین بحثی که آقا فرمودند پارلمان مهم‌تر است یا رئیس‌جمهوری و هزاران موضوع دیگر. خود الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت همه اینها را اجزای نگاه تمدنی می‌دانم که البته برای آن غیر از این اجزا هویت مستقلی قائل هستیم. ولی اگر این گره تمدنی را خوب متمرکز شویم و باز کنیم و بعد از این شاه کلید است یک جعبه‌ای است که طراحی می‌کنیم و هرچه که داریم می‌گذاریم سر جای خودش.

حجة الاسلام و المسلمین پورسیدآقای: آینده‌پژوهی و مهدویت، آینده‌پژوهی زمینه‌ساز را یکی از

اجزای تمدنی می‌دانید؟

دکتر همایون: بله می‌دانم. آینده‌پژوهی روش مطالعه‌ای است که خیلی جدی به تمدن و موضوع مهدوی چسبیده است.

امیر محسن عرفان: به عنوان مهندسی فرهنگ دینی که خود مهندسی تعریف خاصی دارد. مثلاً مهندسی

فرهنگ مهدوی در جامعه راهبردها و راهکارها اعم از حوزه و دانشگاه و دولت و رسانه اگر فراتر از این که ما رسانه دینی داشته باشیم نه دین رسانه‌ای باید چه کار کنیم؟ حوزه علمیه ما برای مهندسی فرهنگ مهدویت باید چه کار کند؟ الان تنها کاری که کردند کتاب دادگستر جهان را طلبه‌ها خودشان می‌خوانند می‌شود دو واحد امتحان. اصلاً ما وقتی می‌گوییم فرهنگ مهدوی یعنی چه و بعد مهندسی فرهنگ مهدوی یعنی چه؟ آیا ما مهندسی فرهنگ مهدوی داریم؟ اولاً فرهنگ مهدوی در جامعه ما است یا نه که باید بگوییم با کمال تأسف نیست. رسانه ما

نمادسازی ناموجه می‌کند ما کهنه گرا هستیم و نماد نساختم. ما وقتی می‌گوییم مهندسی فرهنگ یک چیزی را تعریف می‌کنیم. مثلاً می‌گوییم امام صادق علیه السلام مهندسی فرهنگ شیعی کرد برای نمونه خانم لالانی تانزانیایی است رساله دکتری اش در انگلستان کتابی نوشت با عنوان نخستین تعالیم شیعه امام محمد باقر علیه السلام من این کتاب را خواندم بی‌نظیر است پیرامون این که اصلاً چگونه امام باقر علیه السلام دست شیعیان را گرفت و از یک مقطع تاریخ سالم تحویل امام بعدی داد. در بحث ولایت و امامت روی چه چیزی زوم می‌کرد و خیلی زیبا آورده امام باقر علیه السلام در مناظره با فلان سنی استناد که می‌کند به این مورد تکیه می‌کند. ایشان هم اشاره می‌کند یعنی می‌گوید مهندسی فرهنگ شیعی، این تعبیر یعنی مهندسی فرهنگ مهدوی راهبردها و ضرورت‌ها که اعم از رسانه ما و حوزه ما است و آنچه که در جامعه ما با آن مواجه هستیم ما مواجه با مهندسی فرهنگ مهدوی نیستیم نمونه‌هایش را در رقبای دینی در غرب می‌بینیم که مهندسی می‌کنند. بیش از ۵۰ سال است که انبوه فیلم‌ها و دیالوگ سیاستمداران در این مورد هست.

حجۀ الاسلام و المسلمین پورسیدآقای: خود همین فرهنگ مهدویت جدایی از ریز موضوعات هویت

مستقل دارد هویت مستقل قائلید یا قائل به ریز موضوعات هستید ما اخلاق و تربیت و رسانه را گفتیم.

امیر محسن عرفان: خود فرهنگ مهدوی هم به معنای عام جای گفتگو دارد. ریز موضوع مهندسی فرهنگ مهدوی ویژگی‌شناسی اندیشه‌ها پیرامون مهدویت است. الان آقای ابوالفضل هدایتی انتشارات عروج تهران همه سخنان مرحوم امام را پیرامون مهدویت جمع کرده است. در هیچ صحبتی مرحوم امام معترض بحث علائم ظهور نمی‌شود نشان می‌دهد برای ایشان اولویت درجه اول بحث علائم ظهور نیست. خود علائم و ظهورگرایی افراطی یک آسیب مهدوی است که در جامعه ما با کمال تأسف وجود دارد. یعنی امام زمان را با سفیانی و دجال و... می‌شناسند این اتفاق می‌افتد. من احساس می‌کنم غربی‌ها هم این را می‌خواهند. وقتی ما تبیین می‌کنیم مهندسی فرهنگ مهدوی دیگر مباحث غیر ضروری جایی ندارد.